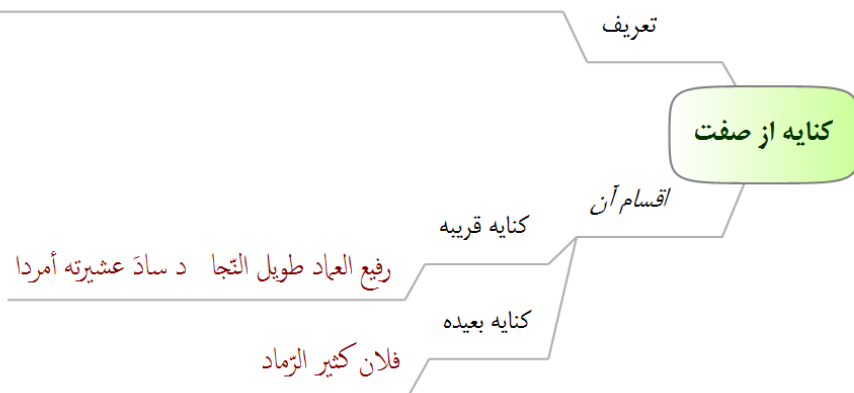
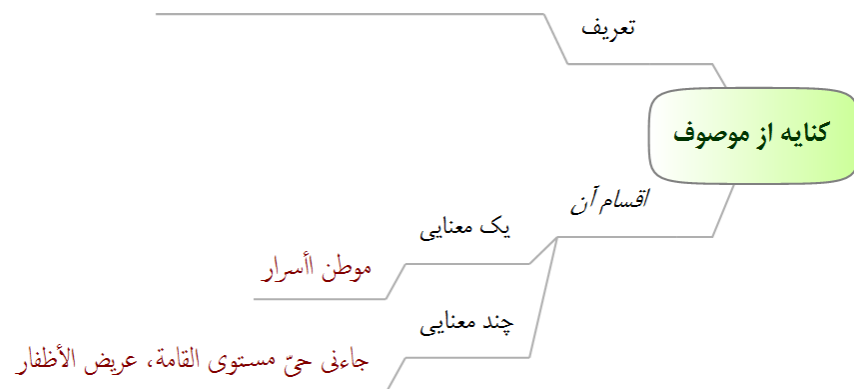


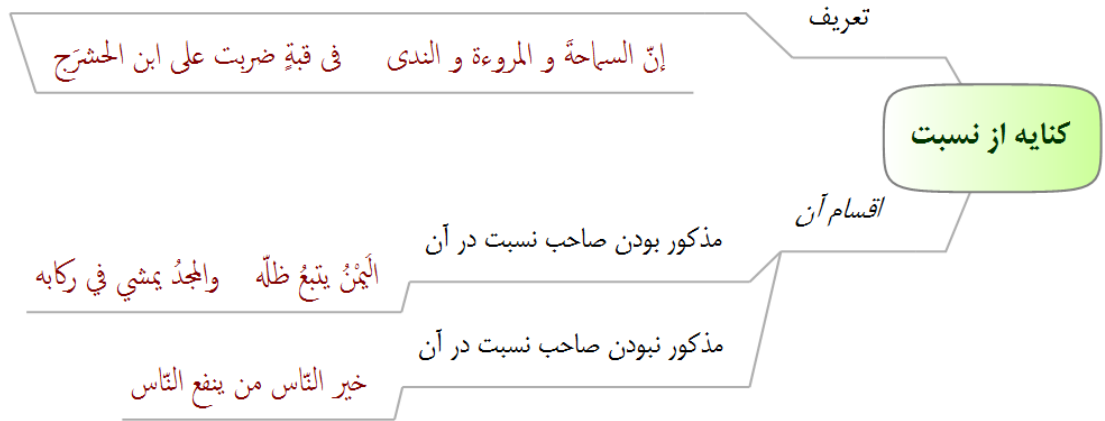
کنایه ای که مکنی عنه در آن، صفتی ملازم موصوف ذکر شده در کلام باشد.



کنایه ای که مکنی عنه آن، موصوف است.



کنایه ای که مراد از آن، اثبات یا نفی نسبت چیزی برای چیز دیگر است.



اقسام کنایه از نظر لوازم و سیاق

- ۱- تعریض
- ۲- تلویح
- ۳- رمز
- ۴- ایما و اشاره

۱- تعریض

در لغت: خلاف تصریح و صراحت گوئی

در اصطلاح:

عبارت است از اینکه کلام به طور مطلق و بدون قید گفته شود ولی به واسطه آن، به معنای دیگری اشاره گردد که از سیاق کلام معلوم می شود.

المسلم من سلم المسلمون من لسانه و یده

۲- تلویح

در لغت:

اشاره به دیگران از راه دور

در اصطلاح:

کنایه ای که وسائط آن زیاد است و تعریضی در آن نیست.

و ما یك فی من عیب فائی جبانُ الكلب محزول الفصیل



۳- رمز

تعریف

در لغت

اشاره نهانی مثلا با ابرو، به شخصی که نزدیک تو است.

در اصطلاح

کنایه ای که واسطه هایش کم، ملازمت دو معنا، پنهان و بدون تعریض است.

فلان عریض القفا یا عریض الوسادة

۴- ایما و اشاره

تعریف

کنایه ای که واسطه های آن اندک و ملازمت دو معنی واضح است و تعریضی ندارد.

أو ما رأيتَ المجدَّ التي رَحَلَه في آلِ طلعةٍ ثمَّ لم يتحول

اهداف کنایه

احترام به مخاطب

ایجاد ابهام در شنوندگان

برای شکست دشمن و تشفی خاطر

منزه داشتن گوش از خبری که از شنیدنش ابا دارد.

